

الگوی عمل‌گرایی تعویقی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

سیدرضا موسوی نیا^۱

چکیده:

این مقاله چارچوب مفهومی جدیدی برای تبیین سیاست خارجی ایران ارائه می‌کند و قصد دارد چارچوب مفهومی جدید خود را در سه تصمیم مهم اتخاذ شده در سیاست خارجی ایران تطبیق دهد. این چارچوب مفهومی «عمل‌گرایی تعویقی» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نام دارد. بر این اساس سؤال مقاله عبارت است از: کدام فرایندها در سیاست خارجی ایران منجر به عمل‌گرایی تعویقی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی می‌شوند؟ در پاسخ به این سؤال استدلال کرده‌ایم که: «تعویق در عمل‌گرایی ریشه در توفیق ساختارها بر کارگزاران و تقابل دوساختار سخت و درهم‌تنیده در این فرایند دارد.» در ادامه نویسنده با ارائه الگوی عمل‌گرایی تعویقی به توضیح و تبیین سه تصمیم کلیدی در سیاست خارجی ایران می‌پردازد. در قسمت نظری با بهره‌مندی از نظریه‌ای اچ کار به تشریح مربع عمل‌گرایی تعویقی در سیاست خارجی ایران می‌پردازیم و سپس این مدل را در سه تصمیم اساسی یعنی آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در سال ۱۹۸۰، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۹۸۸ و

۱ دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی؛ mousavinia@atu.ac.ir

پذیرش برجام در سال ۲۰۱۵ تطبیق می‌دهیم. روش مقاله توضیحی - تبیینی با گونه پژوهشی مقایسه‌ای و تحلیل تاریخی است.
واژگان کلیدی: عمل‌گرایی، عمل‌گرایی تعویقی، ساختار، کارگزار، قطعنامه ۵۹۸، برجام.

The pattern of deferred pragmatism in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran

Abstract

This article presents a new conceptual framework for explaining Iran's foreign policy and intends to apply its new conceptual framework to the three important decisions made in Iran's foreign policy. This conceptual framework is called "deferred pragmatism" in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. Accordingly, the question of the article is: Which processes in Iran's foreign policy lead to deferred pragmatism in foreign policy decision-making? In response to this question, we have argued that "procrastination or deferred in pragmatism is rooted in the dominated structures over agents and the confrontation of two hard and intertwined structures in the processes in Iran's foreign policy." In the following, the author presents a model of deferred pragmatism and explains three key decisions in Iran's foreign policy. In the theoretical part, using the theory of A.H. Car, we describe the square of deferred pragmatism in Iranian foreign policy. then we apply this model to three key decisions: the release of American hostages in 1980, the adoption of Resolution 598 in 1988, and the nuclear deal between Iran and great powre in 2015. The method of the article is explanatory with the type of comparative research and historical analysis.

Key word: deferred pragmatism, structure, agent, Iran, foreign policy, decision making

۱. مقدمه

پیش‌بینی رفتارهای سیاسی امری ضروری و درعین‌حال سخت و پیچیده است. در عرصه سیاست داخلی، ساختار سلسله‌مراتبی درون کشورها موجب می‌شود تا پیش‌بینی و فهم سیاست داخلی برای ناظران و جویندگان آسان شود اما ساختار آنارشیک در نظام بین‌الملل، همواره سیاست خارجی کشورها را با ابهام قرین و پیش‌بینی آن را سخت می‌کند. این ابهام به‌خصوص در مورد سیاست خارجی کشورهایی که ماهیتی ایدئولوژیک دارند و درگیر تنازع‌های امنیتی هستند، بیشتر می‌شود. ماهیت ایدئولوژیک در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و محیط پرتنش خاورمیانه موجب می‌شود تا پیش‌بینی و فهم سیاست خارجی ایران برای تحلیلگران و سیاستمداران سایر کشورها دشوار شود.

در طول ۴۲ سال حیات جمهوری اسلامی ایران، مناقشات نظری گسترده‌ای درباره چرایی و چگونگی رفتار سیاست خارجی ایران صورت گرفته است. برخی از نویسندگان از منظر نظریه‌های رئالیستی و نئورئالیستی به تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. در این زمینه می‌توان به آثار محمود سریع‌القلم^۱، انوشیروان احتشام زاده^۲ و شیرین هانتر^۳ اشاره کرد. برخی مانند منوچهر محمدی^۴ از منظر ایدئالیسم به توضیح سیاست خارجی ایران پرداخته‌اند. برخی دیگر از منظر سازه‌انگاری و تحلیل گفتمان، فهمی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ارائه داده‌اند. آثار سیدجلال دهقانی فیروزآبادی برجسته‌ترین آثار در این زمینه است.^۵ پرفسور روح‌الله رمضانی مفهوم عمل‌گرایی را برای

1. See: Mahmood Sariolgalam, Prospects for Change in Iranian Foreign Policy, in: <https://carnegieendowment.org/2018/02/20/prospects-for-change-in-iranian-foreign-policy-pub-75569>

2. Anoushiravan Ehteshami & Mahjoob Zweiri, Iran's Foreign Policy: From Khatami to Ahmadinejad, Paperback, 2012

3. Shireen T. Hunter, Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era: Resisting the New International Order, Praeger; Illustrated Edition (May 20, 2010)

^۴ منوچهر محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مسائل، نشر دادگستر، ۱۳۹۱.

۵. Jalal Dehghani Firoozabadi, Investigation of Islamic Republic of Iran Foreign Policy (1997-2013), SEE: <http://www.ccsenet.org/journal/index.php/ass/article/view/53055>

فهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ارائه نمود که بسیاری از پژوهشگران و تحلیلگران سیاست خارجی ایران با استفاده از این مفهوم سیاست خارجی ایران را توضیح می‌دهند.^۱

این مقاله چارچوب مفهومی جدیدی برای تبیین سیاست خارجی ایران ارائه می‌کند و قصد دارد چارچوب مفهومی جدید خود را در سه تصمیم مهم اتخاذ شده در سیاست خارجی ایران تطبیق دهد. این چارچوب مفهومی «عمل‌گرایی تعویقی» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نام دارد. در این مقاله سه تصمیم مهم در سیاست خارجی ایران شامل آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در سال ۱۹۸۰، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۹۸۸ و موافقت‌نامه برجام شش قدرت جهانی در سال ۲۰۱۵ را با چارچوب مفهومی عمل‌گرایی تعویقی توضیح خواهیم داد.

بر این اساس سؤال مقاله عبارت است از:

کدام فرایندها در سیاست خارجی ایران منجر به عمل‌گرایی تعویقی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی می‌شوند؟

فرضیه‌ای که سعی در بین‌الذهانی کردن آن داریم عبارت است از:

ساختار سه‌گانه، هم‌افزا و همسوی سیاست خارجی ایران متشکل از آرمان‌خواهی، تجدیدنظرطلبی نسبت به نظم بین‌المللی و برسازی نظم مطلوب در محیط منطقه‌ای در تقابل با نظم کهن بین‌المللی منجر به عمل‌گرایی تعویقی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایران می‌شود. تعویق در عمل‌گرایی ریشه در توفیق ساختارها بر کارگزاران و تقابل دوساختار سخت و درهم‌تنیده در این فرایند دارد.

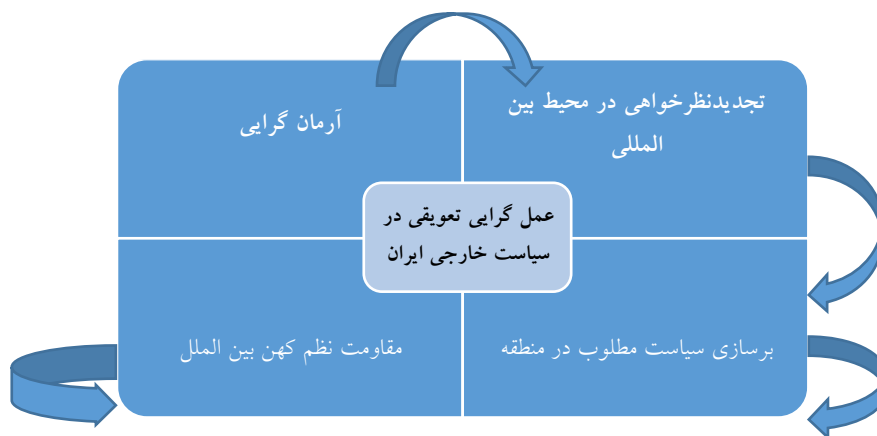
این مقاله با ارائه الگوی عمل‌گرایی تعویقی به توضیح و تبیین سه تصمیم کلیدی در سیاست خارجی ایران می‌پردازد. در قسمت نظری با بهره‌مندی از نظریه‌ای اچ کار به تشریح مربع عمل‌گرایی تعویقی در سیاست خارجی ایران می‌پردازیم و سپس این مدل را در سه تصمیم

1. R. K. Ramazani, Iran's Foreign Policy: Both North and South, Middle East Journal, vol 46, No. 3, 1992.

اساسی یعنی آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در سال ۱۹۸۰، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۹۸۸ و پذیرش برجام در سال ۲۰۱۵ تطبیق می‌دهیم.

۲. بحث نظری: الگوی عمل‌گرایی تعویقی

چارچوب مفهومی عمل‌گرایی تعویقی با بهره‌ای آزاد از مفهوم عمل‌گرایی‌ای-اچ-کار بر ساخته شده است. ای اچ کار در نقد نظریه رئالیسم توضیح می‌دهد، سیاستمداران را نمی‌توان با دوگانه واقع‌گرایان و آرمان‌گرایان تفکیک کرد چون همه سیاستمداران هم به آرمان‌ها توجه و اهتمام دارند و هم به واقعیت‌ها؛ لکن زمانی که تراحمی میان واقعیت و آرمان پیش می‌آید، سیاستمداران بر اساس واقعیت‌ها عمل می‌کنند. مفهوم کلیدی کار، عمل‌گرایی است. او می‌گوید سیاستمداران به هنگام تراحم و یا قبل از تراحم واقعیت و آرمان، بر اساس عقلانیت، هزینه - فایده می‌کنند و منطق هزینه - فایده موجب می‌شود، آرمان‌های در تقابل قرار گرفته با واقعیت‌ها را موقتاً کنار بگذارند و بر اساس واقعیت‌ها عمل کنند. ای اچ کار این رفتار را عمل‌گرایی می‌نامد (Mearsheimer, 2005: 142- 143). حالا مربع عمل‌گرایی تعویقی را برای تبیین تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایران ارائه می‌کنیم.



در مربع عمل‌گرایی تعویقی، ساختارها بر کارگزاران چیرگی دارند البته این به مفهوم نفی کنش کارگزاران نیست بلکه منظور توفیق یا چیرگی ساختارها بر کارگزاران در اتخاذ تصمیم‌ها است. همان‌گونه که در شکل مشخص است، در ضلع اول چشم‌اندازهای آرمانی در سیاست خارجی ایران قرار گرفته که برگرفته از ایدئولوژی انقلاب اسلامی و راهنمای کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. ضلع دوم رویکرد تجدیدنظرطلبی و انتقادی به نظم بین‌المللی است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود رابطه ضلع اول با ضلع دوم ایجابی است یعنی آرمان‌های انقلاب اسلامی، رویکرد تجدیدنظرطلبی نسبت به نظم بین‌المللی دارد. به‌زعم ایدئولوژی انقلاب اسلامی، نظم‌پی‌ریزی شده پس از جنگ جهانی دوم تاکنون، ظالمانه و تقویت‌کننده منافع مستکبران و تضعیف‌کننده منافع مستضعفان است. ضلع سوم برسازی سیاست مطلوب خارجی جمهوری اسلامی ایران ابتدا در محیط منطقه‌ای و سپس در محیط بین‌المللی است. در این ضلع جمهوری اسلامی به‌عنوان نهاد برآمده و یا کارگزار انقلاب اسلامی وظیفه دارد تا آرمان‌های انقلاب اسلامی را در محیط منطقه‌ای و سپس در محیط بین‌الملل به سیاست واقعی تبدیل کند و طرحی نو در محیط منطقه‌ای و جهانی درآورد. رابطه ضلع دوم با سوم نیز ایجابی است؛ یعنی جمهوری اسلامی ایران نظم موجود در نظام بین‌الملل را ناعادلانه می‌داند (ضلع دوم) و سعی در ایجاد نظم جدید در محیط بین‌المللی دارد (ضلع سوم). رابطه ضلع اول با سوم نیز ایجابی است یعنی آرمان‌های انقلاب اسلامی کیفیت سیاست ورزی در سیاست خارجی را نیز معین می‌کند.

ضلع چهارم عرصه تقابل دو ساختار است. در این ضلع نظم کهن بین‌المللی محافظه‌کارانه در برابر سیاست‌های تجدیدنظرطلبانه منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی دست به مقاومت می‌زند. در اینجا نظام بین‌الملل با سازوکارهای درونی و نهادینه‌شده‌اش در برابر برساختن نظم جدید ایران در سطح منطقه‌ای مقاومت می‌کند. رابطه ضلع چهارم با ضلع سوم نفی‌کننده است. کما اینکه ضلع چهارم با ضلع اول و دوم نیز روابطی تقابلی دارد. این تقابلهای به‌خصوص تقابل ضلع سوم و ضلع چهارم کاملاً ساختاری است. در این تقابل از یک سو ساختار سیاست خارجی ایران قرار گرفته است که در دو فرایند سابق یعنی در ضلع اول و

دوم به شدت قوام‌یافته و از سوی دیگر نظم کهن بین‌المللی است که نظام بین‌الملل بعد از جنگ جهانی دوم تاکنون بر آن مبتنا یافته است. به این ترتیب در مریع عمل‌گرایی تعویقی، آرمان‌های انقلاب اسلامی به مثابه یک ساختار ابتدا به نفی نظم بین‌المللی می‌پردازد و به ساختاری با هویت قوی‌تر و درهم‌تنیده تبدیل می‌شود. سپس این ساختار درهم‌تنیده، رهنمای سیاست‌های عملی جمهوری اسلامی ایران می‌شود و سیاست خارجی ایران را به ساختاری تبدیل می‌کند که تغییر و تحول در آن توسط کارگزاران بسیار سخت، زمان‌بر و پرهزینه می‌شود. تقابل سیاست‌های عملی ایران با نظم کهن بین‌المللی در یک بازه زمانی نسبتاً طولانی، آرمان عملیاتی شده سیاست خارجی ایران را در مقابل واقعیت سخت نظام بین‌الملل قرار می‌دهد و تصمیم‌گیران سیاست خارجی ایران را وادار به عمل‌گرایی تعویقی می‌کند. این عمل‌گرایی که برآیندی از آرمان‌خواهی و پذیرش واقعیات جاری در صحنه بین‌المللی است بر اساس مصلحت‌سنجی و به منظور حفظ و بقای جمهوری اسلامی انجام می‌گیرد؛ اما چرا این عمل‌گرایی با تعویق انجام می‌گیرد؟ پاسخ در توفیق نقش ساختارهای ایدئولوژیک بر نقش کارگزاران در سیاست خارجی ایران و فرایند تقابل این ساختار با ساختار نظم بین‌المللی است. به کلام دیگر در روند سیاست خارجی ایران، اهداف آرمانی، با نقد و نفی نظم موجود بین‌المللی، واقعیت‌سازی مطلوب را به کارگزاران توصیه می‌کند. فرایند برسازی واقعیت مطلوب با مقاومت نظم کهن بین‌المللی مواجه می‌شود. در این تقابل تعینات ساختاری آرمان‌های انقلاب اسلامی که در مسیر سیاست‌ورزی به ساختاری درهم‌تنیده تبدیل شده است، در مقابل تعینات ساختاری نظم بین‌المللی قرار می‌گیرند. از این تقابل ساختاری عمل‌گرایی تعویقی در سیاست خارجی ایران پدید می‌آید. تعویق در اتخاذ عمل‌گرایی تعویقی نتیجه عدم تدبیر یا عدم تصمیم و یا فقدان عقلانیت کارگزاران جمهوری اسلامی ایران نیست. این تعویق را باید محصول تصلبی دانست که در ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده است و تصمیمات کارگزاری را بسیار سخت، پرهزینه و زمان‌بر کرده است. در ادامه عمل‌گرایی تعویقی را در سه تصمیم آزادسازی گروگان‌های آمریکایی، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پذیرش برجام نشان می‌دهیم.

۳. عمل‌گرایی تعویقی در ماجرای آزادسازی کارکنان سفارت امریکا (۱۹۸۰)

صبح ۱۳ آبان درحالی‌که تظاهرات مردمی در اعتراض به ورود شاه به امریکا روبروی سفارت امریکا در تهران در جریان بود، دانشجویان در یک اقدام سازمان‌دهی شده ناگهان وارد سفارت شدند و با یک درگیری مختصر با چند تفنگدار آمریکایی، سفارت را به اشغال کامل خود درآوردند. جمهوری اسلامی ایران برای این اقدام برنامه‌ریزی نکرده بود و حتی دولت وقت مخالف این اقدام بود اما قدر مسلم این اقدام دانشجویان با حمایت رهبر انقلاب اسلامی مواجه شد. هویت انقلاب اسلامی که از سال‌ها قبل بر اساس مبارزه با استبداد و استعمار تکوین یافته بود، مصداق استبداد را رژیم پهلوی و مصداق استعمار را امپریالیزم امریکا تعریف کرده بود. با سقوط شاه در ایران مبارزه با استبداد به نتیجه رسیده بود اما مبارزه با استعمار نیازمند یک رویداد خاص بود و اشغال سفارت امریکا زمینه مبارزه با استعمار را برای نیروهای انقلابی فراهم کرد. به تعبیر هاشمی رفسنجانی، اشغال سفارت امریکا به سیاست خارجی ایران جهت داده و آن را از سردرگمی نجات داده بود. امام خمینی با دفاع از اقدام دانشجویان آن را انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ عنوان می‌کند و خود شخصاً مدیریت این بحران را به دست می‌گیرند. ایشان یک روز بعد از تسخیر سفارت امریکا این‌چنین می‌گویند: «... مسئله مسئله یک انقلاب است. یک انقلاب بزرگ از انقلاب اول خواهد شد...» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۱۴۰)

نظام شناختی امام خمینی، اشغال سفارت امریکا را مظهر مبارزه با ظلم و استکبار جهانی می‌داند و مقاومت در برابر آزادسازی گروگان‌ها را پیام جهان‌شمول انقلاب اسلامی تعریف کرده بود. امام خمینی با این کار چهره ضدآمریکایی انقلاب اسلامی را برای اذهان جهانیان روشن کرد (موسوی نیا، ۱۳۹۲: ۲۲۰).

دو روز پس از اشغال سفارت، هنری پرکت از سوی کارتر در تماسی تلفنی با شهید بهشتی در مورد گروگان‌ها صحبت کرد. در این مکالمه قرار شد رمزی کلارک، دادستان پیشین امریکا که به طرفداری از امام خمینی در امریکا مشهور بود، به همراه ویلیام میلز از کارکنان

سابق سفارت وزارت خارجه که به زبان فارسی مسلط بود به تهران بیایند. برنامه عظیمت آن‌ها نیز مورد تأیید شورای انقلاب قرار گرفت. وزارت خارجه نیز که سرپرستی آن پس از ۱۳ آبان و استعفا دولت بازرگان به بنی‌صدر واگذار شده بود، در اعلامیه‌ای ورود آن‌ها را اعلام کرده بود. در روز ۱۵ آبان درحالی که این هیئت به‌سوی ایران در حرکت بود، امام خمینی با صدور اعلامیه‌ای این هیئت را در ترکیه متوقف کردند. امام مذاکره با این هیئت را قبول نکردند و به سایر نهادها نیز دستور دادند که با آن‌ها مذاکره‌ای انجام ندهند (نوازی، ۱۳۸۳: ۹۶)، در این پیام آمده بود:

«دولت امریکا با نگهداری شاه اعلام مخالفت آشکار با ایران نموده است و از طرفی دیگر سفارت امریکا در ایران محل جاسوسی دشمنان ما علیه نهضت مقدس اسلامی شده است. لذا ملاقات من به‌هیچ‌وجه برای نمایندگان ویژه ممکن نیست علاوه بر این:

۱. اعضای شورای انقلاب، به‌هیچ‌وجه نباید با آن‌ها ملاقات کنند.

۲. هیچ‌یک از مقامات مسئول حق ملاقات با آن‌ها را ندارند.

اگر چنانچه امریکا، شاه مخلوع، این دشمن شماره یک ملت عزیز ما را به ایران تحویل دهد و دست از جاسوسی بر ضد نهضت ما بردارد، راه مذاکره در مورد برخی روابط که به نفع ملت است، باز می‌شود» (روزنامه کیهان، ۵۸/۸/۱۷).

قطعه‌نامه و تهدیدهای شورای امنیت هم نتوانستند نظر امام را تغییر دهند. شورای امنیت در قطعه‌نامه ۴۵۷ خود که به‌اتفاق آرا به تصویب رسید، از ایران خواست که بی‌درنگ پرسنل دیپلماتیک امریکا را که در تهران زندانی هستند، آزاد کند؛ اما امام خمینی دبیرکل سازمان ملل را نیز نمی‌پذیرد. شورای امنیت مجدداً تشکیل جلسه می‌دهد و یک فرصت ۲۱ روزه را برای حضور نماینده ایران در شورا تعیین می‌کند تا به موضوع با حضور طرفین رسیدگی شود. درحالی که بنی‌صدر قصد خود را برای حضور در شورای امنیت اعلام کرده بود، امام خمینی مانع از رفتن وزیر خارجه و یا هر نماینده‌ای از ایران در این شورا شدند (روزنامه اطلاعات، ۵۸/۴/۱۴).

با افزایش فشارهای بین‌المللی و تلاش دولتمردانی که تبعات سنگین این بحران برای ایران را می‌دانستند و به رهبر ایران انتقال می‌دادند، سرانجام وقتی کمیسیون تحقیق سازمان ملل با تلاش بنی‌صدر و قطب‌زاده و رأی مثبت شورای انقلاب، اجازه ورود به ایران و بررسی وضع گروگان‌ها را یافت، امام‌خمینی پیش از رسیدن آن‌ها به تهران، طی فرمانی حل مسئله گروگان‌ها را به مجلس شورای اسلامی که هنوز انتخابات آن برگزار نشده بود، واگذار کردند (رمضانی، ۱۳۸۱: ۶۸). ایشان در آن پیام شروط چهارگانه‌ای را برای آزادسازی گروگان‌ها مطرح کردند: این چهاراصل عبارت بودند از:

۱. عدم دخالت سیاسی نظامی امریکا در ایران.
 ۲. آزادسازی سرمایه‌های ملت ایران.
 ۳. لغو تحریم‌های اقتصادی و مالی علیه ایران.
 ۴. بازگرداندن اموال شاه معدوم به ایران (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۲: ۲۶۲).
- مجلس و دولت ایران با افزایش فشارهای بین‌المللی و آغاز حمله نظامی صدام حسین به ایران طی مذاکراتی با نمایندگان آمریکایی در الجزایر سرانجام به بیانیه الجزایر رضایت دادند و گروگان‌های آمریکایی پس از ۴۴۴ روز درست در روز استقرار ریگان در کاخ سفید در مقابل ارسال فدیهای در انگلستان که قسمت اعظم آن سپرده‌های مسدود شده ایران در امریکا بود (آندرو قوتن، ۱۳۶۷: ۴۶۷)، آزاد شدند. بیانیه الجزایر Algiers Accords شامل دو بیانیه بود که با میانجی‌گری دولت الجزایر میان نمایندگان ایران و امریکا به امضا رسید. به موجب این بیانیه برخی از محدودیت‌ها ایجاد شده از سوی امریکا علیه ایران برداشته شد اما این امر شامل تحریم‌های اعمال شده نظامی و ارسال تسلیحات به ایران نمی‌شد. این بیانیه‌ها شامل دو اعلامیه دولت الجزایر یکی مربوط به آزادسازی گروگان‌های آمریکایی و دیگری شامل حل و فصل دعاوی این دو کشور از طریق ایجاد یک نهاد مرضی‌الطرفین به نام دیوان داوری دعاوی ایران و امریکا بود. از چهار شرطی که آزادسازی گروگان‌ها به آن مشروط شده بود فقط بخشی از اموال بلوکه شده ایران آزاد شد. اموال شاه به ایران بازگردانده نشد، تحریم‌ها علیه ایران لغو نشد و تقابل‌های سیاسی و نظامی امریکا علیه ایران علی‌رغم تعهد امریکا شدت

گرفت. آمریکا در موارد متعدد، اصول اساسی بیانیه‌ها از جمله تعهد به عدم‌مداخله در امور ایران را نقض کرد. به‌علاوه، آمریکا تحریم‌های تجاری را که به‌موجب بیانیه‌ها ملغی اعلام کرده بود، در طول سال‌های جنگ تحمیلی و پس از پایان آن به انواع و روش‌های دیگر برقرار و حتی تشدید کرد (منصوری، ۱۳۹۷). بازخوانی حوادث آن روزها نشان می‌دهد مسئله آزادی گروگان‌ها برای نیروهای انقلابی به امری حیثیتی تبدیل شده بود. فشار رهبران کشورها، نهادهای بین‌المللی و حتی دولتمردان داخلی نتوانست نیروهای انقلابی را به حل بحران متقاعد کند. نیروهای انقلابی این اقدام را عملیاتی کردن آرمان استکبارستیزی می‌دانستند. آن‌ها خواهان بازگرداندن شاه، اموال شاه و عذرخواهی آمریکا بودند. شاه مرد، حمله صدام به ایران آغاز شد، فشارهای بین‌المللی افزایش یافت تا درنهایت این گره بزرگ توسط خود امام خمینی حل‌وفصل شد و ایشان بحران را به‌گونه‌ای مدیریت کردند تا نمایندگان دولت ایران بتوانند در مذاکرات الجزایر با نمایندگان آمریکایی در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ به بیانیه الجزایر برسند. به تعبیر روح‌الله رمضانی امام خمینی خود بر نگه‌داری گروگان‌ها اصرار داشت و خود او نیز در پایان عمل‌گرایانه این گره را باز نمود (رمضانی، ۱۳۸۱: ۶۶). همه می‌دانستند که گروگان‌ها باید آزاد شوند اما این بحران به‌گونه‌ای پیش رفت که با هویت انقلاب اسلامی گره خورد تا حل‌وفصل آن بسیار زمان و انرژی ببرد.



۴. عمل‌گرایی تعویقی در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ (۱۹۸۸)

بررسی تاریخی جنگ ۸ ساله ایران و عراق نشان می‌دهد که شرایط ایران برای پذیرش آتش‌بس تا چند روز پیش از پذیرش قطعنامه بدون تغییر باقی‌مانده بود. مقامات جمهوری

اسلامی اما در طول ۸ سال بر تشخیص متجاوز، تنبیه او به‌عنوان پیش‌شرط آتش‌بس تأکید می‌کردند.^{*} جواد ظریف از مذاکره‌کنندگان قطعنامه ۵۹۸ در این ارتباط می‌گوید: «تلاش‌های دیپلماتیک وزارت امور خارجه ایران در تدوین و تکوین قطعنامه ۵۹۸ نیز برای صلح و مذاکره نبود بلکه این تلاش‌ها به‌منظور کاهش فشارهای بین‌المللی صورت می‌گرفت تا پیروزی‌های نظامی با فشار ساختاری کمتری حاصل شود» (موسوی نیا، ۱۳۹۲: ۲۶۸).

امام خمینی بر محاکمه صدام و آزادی ملت عراق اصرار داشتند. از نگاه ایشان این کمترین چیزی بود که صدام باید برای بهای خسارت‌ها و قربانیان جنگ پرداخت می‌کرد (زیباکلام، ۱۳۸۷: ۲۷۸). نظام شناختی امام خمینی در طول ۸ سال جنگ با عراق تغییری نداشت. ایشان در اظهارات گوناگون این جنگ را جنگ تمام کفر جهانی علیه اسلام معرفی می‌کردند و شکست ایران در این جنگ را شکست و تحقیر همه مسلمانان و مستضعفین عالم می‌دانستند (امام خمینی، ۱۳۶۴: ۲۱۵). ایشان گفته بودند: «جمهوری اسلامی ایران در مرحله‌ای است که پیروزی آن به حساب همه مسلمانان و خدای‌نخواسته شکست آن به ناکامی و تحقیر همه مؤمنان می‌انجامد» (امام خمینی، ۱۳۶۶: ۳۳۱).

«پس از تصرف فاو و تقریباً قطع ارتباط عراق با دریا برخی از مسئولین سیاسی و نظامی معتقد بودند شرایط برای چانه‌زنی و احقاق حقوق ایران در مذاکرات فراهم شده است و پیروزی دیپلماتیک برای ایران در مذاکرات خودبه‌خود به سقوط صدام نیز منجر خواهد شد و بدین ترتیب خواسته امام خمینی و نیروهای رزمنده نیز حاصل می‌شود؛ اما شواهد تاریخی حکایت از آن دارد که امام خمینی با توقف جنگ پس از تصرف فاو مخالفت کردند» (هاشمی رفسنجانی؛ ۱۳۸۶).

امام خمینی هیچ‌گاه به‌صراحت موافقت خود را با گروگان‌گیری یک منطقه از عراق و پیروزی در مذاکرات سیاسی عنوان نکردند (موسوی نیا، ۱۳۹۲: ۲۷۱) عدم موافقت با پذیرش

(آیت الله خامنه‌ای: "ما صلح را زمانی می‌پذیریم که متجاوز تنبیه شود." روزنامه کیهان: ۱۳۶۷/۱/۲۵)

صلح پس از فتح فاو این موضوع را نشان می‌دهد. درواقع امام و سپاه پاسداران بر ادامه جنگ تا سقوط صدام تأکید می‌کردند (روزشمار جنگ ایران و عراق، ۱۷/۱۰/۶۵).

پس از ماه‌ها بحث و گفتگو سرانجام در ۲۹ تیرماه ۱۳۶۶ همه پانزده عضو شورای امنیت به قطعنامه ۵۹۸ رأی مثبت دادند. بند ۱۰ قطعنامه پیش‌بینی کرده بود در صورتی که هر یک از دو طرف از قبول قطعنامه در مهلت مقرر سرباز زنند طبق بند ۳۹ و ۴۰ منشور سازمان ملل متحد با اقدامات تنبیهی تحریم تسلیحاتی و اقتصادی مواجه خواهند شد. این بند نشان‌دهنده جدیت شورای امنیت و جامعه بین‌المللی برای اجرای قطعنامه بود. جمهوری اسلامی ایران که در این قطعنامه نکات مثبتی دیده بود، آن را نه به‌طور کامل قبول کرد و نه آن را کاملاً رد کرد. مسئولین سیاسی جمهوری اسلامی معتقد بودند در این قطعنامه بند مربوط به معرفی متجاوز نکته‌ای مثبت است اما از آنجایی که جمهوری اسلامی به اعضای شورای امنیت اعتماد ندارد، اجرای این بند باید قبل از پذیرش آتش‌بس صورت پذیرد (روزنامه کیهان، ۱۳۶۶/۶/۲۱).

نماینده ایران در مجمع عمومی سازمان ملل نیز رسماً اعلام می‌کند بند ۶ قطعنامه که طی آن دبیرکل را موظف می‌کند با تشکیل کمیته‌ای متجاوز را تعیین کند، مهم‌ترین خواسته جمهوری اسلامی ایران را تأمین می‌کند اما این بند باید قبل از آتش‌بس انجام گیرد (روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۲/۲۶).

در آن‌سو حکومت عراق موافقت خود را با پذیرش قطعنامه اعلام کرد اما با هرگونه جابجایی در بندهای آن مخالفت کرد. ریگان، رئیس‌جمهور آمریکا بر عزم جدی خود و جامعه بین‌المللی برای اعمال تحریم علیه کشوری که قطعنامه را نپذیرد، اشاره کرد. او پس از نطق آیت‌الله خامنه‌ای در مجمع عمومی سازمان ملل پشت تریبون رفت و از رئیس‌جمهور ایران خواست صریحاً و بدون ابهام موضع ایران را در مورد پذیرش و یا عدم پذیرش قطعنامه اعلام کند. وی تهدید کرد در صورت پاسخ منفی ایران، شورای امنیت راهی به‌جز اعمال تحریم علیه ایران و وادار کردن این کشور به پذیرش آتش‌بس را ندارد (روزنامه کیهان، ۱۳۶۶/۶/۲۶). جمهوری اسلامی ایران در برابر این تهدیدات و فشارهای بین‌المللی برای

پذیرش قطعنامه کماکان بر راهبرد گذشته خود اصرار داشت و قبول قطعنامه را منوط به معرفی متجاوز کرده بود. فضای ارزشی جامعه و خصوصاً اصرار رزمندگان بر ادامه جنگ مجالی برای طرح قطعنامه در داخل کشور را نمی‌داد. به تدریج جنگ ابعاد بین‌المللی به خود گرفت. امریکا پرچم خود را بر روی نفت کش‌های کویت قرار داد و برخوردهای دریایی میان ایران و امریکا آغاز شد. به تدریج حمایت‌های جهانی از عراق در ماه‌های پایانی جنگ به اوج خود رسید (ولایتی، ۱۳۷۶: ۲۱۲-۲۱۵).

مهم‌ترین علامت بازداخته از سوی امریکا به ایران حمله ناو این کشور به هواپیمای مسافربری ایرباس بود که به کشته شدن مسافران غیرنظامی انجامید. به تعبیر هاشمی رفسنجانی حمله به ایرباس پیام قاطع امریکا مبنی بر تشدید جنگ بود که این فاجعه، ضرورت دستیابی به برقراری صلح را با حداکثر شتاب دوچندان کرد (زیباکلام، ۱۳۸۷: ۳۰۹).

حکومت عراق با شروع مجدد حمله موشکی به شهرها و خصوصاً استفاده از سلاح‌های شیمیایی در حلبچه که به کشتار وسیع غیرنظامیان کرد عراقی انجامید، در پیامی آشکار به رهبران ایران فهماند که در صورت ضرورت از استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه شهرهای ایران هیچ تردیدی به خود راه نمی‌دهد (زیباکلام، ۱۳۸۷: ۳۰۱-۳۰۳).

جمهوری اسلامی در طول ۸ سال جنگ با عراق قطعنامه‌های شورای امنیت را تبعیض‌آمیز می‌خواند و آن‌ها را رد می‌کرد اما حکومت عراق این قطعنامه‌ها را می‌پذیرفت. این موضوع باعث شده بود تا حکومت صدام با وجود آغاز تجاوزگری به ایران به عنوان حکومتی صلح‌طلب معرفی شود و جمهوری اسلامی ایران را حکومتی جنگ‌طلب در محافل بین‌المللی بخوانند. از سویی دیگر شروع جنگ نفت کش‌ها منجر به کاهش صادرات نفت ایران شد به طوری که درآمد ایران در سال ۱۳۶۶ از ۱۶ میلیارد دلار به ۶ میلیارد دلار سقوط کرد (رمضانی، ۱۳۸۱: ۷۳).

مشکلاتی از قبیل بین‌المللی شدن جنگ، استفاده صدام از سلاح‌های شیمیایی، تبلیغات سوئی رسانه‌های بین‌المللی مبنی بر جنگ‌طلب بودن ایران و تنگناهای مال و اقتصادی توانسته بود مسئولین سیاسی کشور را به پذیرش قطعنامه مجاب کنند، اما هیچ‌یک از آن‌ها نتوانستند نظر

امام را در مورد ادامه جنگ تغییر دهند. امام خمینی تا لحظه آخر معتقد به ادامه جنگ بودند (شمخانی، مصاحبه تلویزیونی، ۱۳۸۹/۳/۲).

«بالاخره نامه فرمانده جنگ، محسن رضایی که امام خمینی از آن نامه با عنوان نامه تکان‌دهنده یاد کردند، توانست رهبر ایران را به پذیرش قطعنامه معجب کند. در آن نامه آمده بود که آمریکا را باید از خلیج فارس بیرون کرد که ایران توان چنین کاری را نداشت. حتی خطر بمباران هسته‌ای وجود داشت. این شایعه بود که عراق نزدیک است تا به بمب هسته‌ای برسد... بنابراین در آن روزهای آخر لااقل برخی از فرماندهان سپاه قانع شده بودند که این گونه نمی‌توان به جنگ ادامه داد» (موسوی نیا، ۱۳۹۲: ۲۷۹).

چند روز پس از نامه تاریخ‌ساز محسن رضایی، مسئولین قوا در جلسه چهارشنبه‌های خود به این نتیجه رسیدند که راهی جز پذیرش قطعنامه برای ایران وجود ندارد. در آن جلسه هاشمی رفسنجانی پیشنهاد می‌کند، از آنجا که امام خمینی همیشه بر ادامه جنگ تأکید می‌کردند، خود او شخصاً قطعنامه را بپذیرد و پس از آن امام او را مؤاخذه کند؛ اما امام پیشنهاد هاشمی را نپذیرفتند (موسوی نیا، ۱۳۹۲: ۲۸۱).

«در نامه عمومی امام آمده است: خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نبودم و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود...» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۴/۲۸).

اظهارات سایر مسئولین کشور پس از پذیرش قطعنامه نیز حکایت از مصلحت‌اندیشی رهبران ایران برای پذیرش قطعنامه دارد. رئیس‌جمهور ایران با تقبیح حمله ناو آمریکایی به هواپیمای مسافربری ایران، کشتار غیرنظامیان توسط حکومت عراق و آمریکا را عامل مهمی در پذیرش قطعنامه دانست (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۴/۲۸). رئیس مجلس نیز با اشاره به استفاده صدام از سلاح‌های شیمیایی و تبلیغات سوی کشورهای غربی در مورد جنگ طلب بودن ایران، مصلحت اسلام را در پذیرش قطعنامه دانست.

... ایران خواستار آن بود که ابتدا کمیته تعیین متجاوز تشکیل شود ولی فعلاً با توجه به شرایط جدیدی که پیش آمده از آن شرط خود صرف نظر می‌کند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۴/۲۸).

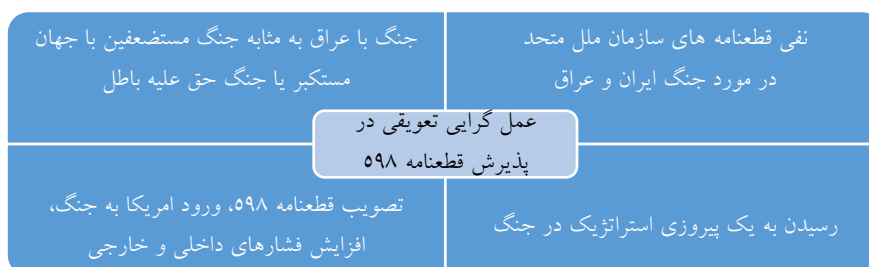
در اندیشه امام خمینی مصلحت اسلام ارزشی ما فوق عزت خواهی برای مسلمانان بود؛ یعنی اگر جان و مال مسلمانان باید در خدمت عزت مسلمانان قرار گیرد، عزت مسلمانان می‌بایست قربانی مصلحت عالی اسلام شود.

«اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت ما و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمانان قربانی شود، هرگز به این عمل (پذیرش قطعنامه ۵۹۸) راضی نمی‌بودم» (امام خمینی، ۱۳۶۷/۴/۲۹).

از منظر عمل‌گرایی تعویقی، نتیجه جنگ ایران و عراق در ذهن نیروهای انقلابی ایران، پیروزی و یا شکست اسلام در برابر مخالفان اسلام را مشخص می‌کرد. این جنگ منحصر به ایران تعریف نشد بلکه هویتی جهانی یافت به گونه‌ای که امام خمینی این جنگ را جنگ همه ملت‌های مستضعف در مقابل همه دولت‌های استعماری و پیروان آن دولت‌ها خوانده بود. به همین دلیل پذیرش آتش‌بس برای نیروهای انقلابی بسیار سخت و پرهزینه بود و به همین دلیل رهبر ایران از پذیرش قطعنامه با عنوان خوردن جام زهر یاد کرده بود. فشارهای بین‌المللی، ورود امریکا به جنگ، کمبودهای داخلی و اظهارات فرماندهان جنگ در نهایت موجب شد تا ایران از شرط اولیه خود برای آتش‌بس یعنی معرفی متجاوز موقتاً عقب‌نشینی کند و قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرد. این تصمیم به تعبیر امام خمینی بر اساس مصلحت عالی نظام سیاسی ایران یعنی ضرورت حفظ جمهوری اسلامی اتخاذ شد.

قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۹۸۷ تصویب شد و در آن زمان نیروهای نظامی ایران داخل خاک عراق بودند و به لحاظ نظامی در موضع برتری قرار داشتند. هم‌زمان فشارهای بین‌المللی و بین‌المللی شدن جنگ موجب شد تا شرایط جنگ پیچیده شود. ورود امریکا به جنگ، استفاده صدام از سلاح شیمیایی، تبلیغات سوء علیه ایران و صلح‌طلب نشان‌دادن صدام، فشارهای اقتصادی، کمبودهای مالی و گزارش فرمانده جنگ در مورد بن‌بست‌های ایجادشده موجب شد تا امام خمینی پس از یک سال از تصویب قطعنامه، عمل‌گرایانه، واقعیت‌های داخلی و منطقه‌ای را بپذیرد و پذیرش قطعنامه را بر آرمان شکست صدام ترجیح دهد. ایران در سال ۱۹۸۸ یعنی یک سال پس از تصویب قطعنامه در شورای امنیت و

در حالی که نیروهای عراقی جزیره فاو را پس گرفتند و وارد خاک ایران شدند، به آتش‌بس و پذیرش قطعنامه رضایت داد. در طول این سال یعنی از زمان تصویب قطعنامه تا زمان پذیرش قطعنامه مواضع نظامی ایران تضعیف شد. در زمان تصویب قطعنامه در سال ۱۹۸۷ ایرانی‌ها در داخل خاک عراق بودند و مواضع برتری داشتند اما در زمان پذیرش قطعنامه در سال ۱۹۸۸ عراقی‌ها داخل خاک ایران آمدند و مواضع برتر نظامی پیدا کردند. تعویق در پذیرش قطعنامه با مفهوم عمل‌گرایی تعویقی قابل تبیین است. آرمان پیروزی در جنگ و نفی قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و سیاست نائل شدن به یک پیروزی استراتژیک در جنگ تبدیل به ساختاری شده بود که آزادی عمل تصمیم‌گیران برای اتخاذ تصمیم به‌موقع و کم‌هزینه را بسیار سخت کرد. این ساختار در تقابل با اراده آمریکا و شوروی برای پایان دادن به جنگ در نهایت موجب اتخاذ تصمیم پذیرش قطعنامه مبتنی بر عمل‌گرایی تعویقی شد. تصمیمی که امام خمینی دلیل آن را حفظ مصلحت نظام معرفی کرده بود.



۵. عمل‌گرایی تعویقی در پرونده هسته‌ای ایران ۲۰۱۵

با پایان یافتن جنگ ایران و عراق، پرونده هسته‌ای ایران مهم‌ترین بحران سیاست خارجی ایران را طی ۳۰ سال گذشته تشکیل داده است. همان‌گونه که تصمیم مسئولان ارشد نظام برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تصمیمی بسیار حیاتی و راهبردی بود، تصمیم برای پذیرش برجام (برنامه جامع اقدام مشترک ایران و شش قدرت جهانی در سال ۱۳۹۴) نیز بسیار راهبردی و سرنوشت‌ساز تلقی می‌شود. دیپلماسی هسته‌ای ایران نیز از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵ با هویت

انقلابی سیاست خارجی ایران گره خورد. مقاومت در برابر اراده قدرت‌های بزرگ به امری هویتی تبدیل شد. ایران خواستار تداوم غنی‌سازی ۲۰ درصد در خاک خود و انجام سایر فعالیت‌های هسته‌ای زیر نظر آژانس بین‌المللی اتمی بود. دولت امریکا و هم‌پیمانان جهانی و منطقه‌ای‌اش به تدریج فشارهای اقتصادی و سیاسی را علیه برنامه هسته‌ای ایران افزایش دادند. شواهد موجود در مورد روند تصمیم‌گیری برجام نشان می‌دهد، مذاکرات مستقیم هسته‌ای با طرف آمریکایی (که آن را باید نقطه عطف مذاکرات ۱۲ ساله هسته‌ای ایران با قدرت‌های جهانی بدانیم)، با تصمیم مقامات عالی نظام، در سال ۱۳۹۱ آغاز شد. در سال ۱۳۹۱ یکی از معتمدین ایران در امریکا (که در گذشته سفیر سابق ایران در امریکا نیز بود)، به ایران سفر می‌کند و از طرح دولت امریکا برای افزایش فزاینده تحریم‌ها علیه ایران در سطح مبادله نفت در برابر غذا خبر می‌دهد. باراک اوباما، رئیس‌جمهور امریکا در همان سال نامه‌ای از طریق سلطان قابوس، پادشاه عمان به آقای احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران ارسال می‌کند. در این نامه دولت امریکا پیشنهاد مذاکره و همکاری در سطح منطقه‌ای را ارائه می‌کند و حق غنی‌سازی اورانیوم را برای ایران به رسمیت می‌شناسد. هم‌زمان ایران را به افزایش تحریم‌ها نیز تهدید می‌کند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۵). علی‌اکبر صالحی، وزیر خارجه وقت جمهوری اسلامی در قالب نامه‌ای به رهبری انقلاب، پیشنهاد انجام مذاکرات مستقیم با آمریکایی‌ها را مطرح می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای با مذاکرات مستقیم با آمریکایی‌ها موافقت می‌کند و دو دور مذاکره در عمان با طرف‌های آمریکایی صورت می‌گیرد (صالحی، ۱۳۹۴). این مذاکرات که در اواخر دولت آقای احمدی‌نژاد صورت گرفت، به کندی پیش می‌رفت. با توجه به روند مذاکرات پیشین هسته‌ای و گفتمان تیم هسته‌ای دولت آقای احمدی‌نژاد، پیشبرد مذاکرات با طرف آمریکایی برای سعید جلیلی، رئیس تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و همکارانش بسیار دشوار بود. آن‌ها از اینکه از سوی نیروهای انقلابی و رقبای سیاسی به مصالحه با آمریکایی‌ها متهم شوند به شدت دچار هراس شدید بودند. هیلاری کلinton در کتاب خاطرات خود، «انتخاب سخت» معتقد است، در دوره اوباما دو عامل یعنی تحریم‌ها و ایجاد یک کانال ارتباطی سری با ایران به واسطه‌گری سلطان عمان، این امکان را به دولت

اوباما داد تا مذاکرات جدی را با ایران آغاز کند. او می‌گوید حتی پیش از به قدرت رسیدن حسن روحانی، با پیشنهاد سلطان عمان، با مقامات ایرانی دیدار سری صورت گرفته است اما به ادعای او ایرانی‌ها در آن مقطع در موقعیتی نبودند که به‌طور جدی وارد مذاکره دوجانبه با ایران شوند. کلinton ادعا می‌کند تیم مذاکره‌کننده به‌واسطه هزینه‌های احتمالی مذاکره مستقیم با امریکا بسیار محافظه‌کارانه رفتار می‌کرد (Clinton, 2013: 442). با روی کار آمدن دولت روحانی و انتقال پرونده هسته‌ای ایران از شورای عالی امنیت ملی به وزارت خارجه در سال ۱۳۹۲، تیم مذاکره‌کننده به ریاست جواد ظریف، مذاکرات را با رویکرد و دستورالعملی جدید به پیش برد تا در سال ۱۳۹۴ به برنامه جامع اقدام مشترک ایران و شش قدرت جهانی یعنی برجام منتهی شد. رئیس‌جمهور روحانی با شعار حل مسئله هسته‌ای از طریق «مذاکره با کدخدا» (منظور دولت امریکا) وارد کارزار انتخاباتی شده بود. از این روی برای تیم مذاکره‌کننده جدید، مذاکره مستقیم با امریکا نه تنها هزینه‌ای نداشت بلکه برگه برنده‌ای در سیاست داخلی نیز محسوب می‌شد. هدایت رهبری در مسئله هسته‌ای بسیار تعیین‌کننده بود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۵). این الگوی تصمیم‌گیری درست مانند الگوی تصمیم‌گیری ایران در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بود (ببینید: موسوی‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۸۶-۲۸۴).

چرا تصمیم‌گیران ارشد سیاست خارجی ایران با برجام موافقت کردند؟ چه عواملی موجب پذیرش موافقت‌نامه برجام توسط مسئولان ارشد نظام در ایران شد و این عوامل چگونه از سوی تصمیم‌گیران تفسیر شدند؟ مطالعه رویدادهای سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ نشان می‌دهد، مهم‌ترین دلایل تغییر رویکرد ایران به مذاکرات هسته‌ای در سال ۱۳۹۱ از رویکرد تقابلی به رویکرد تعاملی هفت تهدید اساسی بودند:

۱. تشدید فزاینده تحریم‌ها در حوزه بانکی و فروش نفت و چشم‌انداز آن با توجه به جدول زمان‌بندی شده امریکا علیه صنعت نفت ایران که گام به گام در حال انجام شدن بود.
۲. کاهش فزاینده صادرات و درآمد نفت بر اثر تحریم‌های امریکا و اتحادیه اروپا،

۳. سقوط ۳ برابری ارزش پول ایران در کمتر از یک سال، (در پایان سال ۱۳۹۰ ارزش برابری ریال با دلار حدود ۱۰۵۰ تا ۱۱۰۰ تومان بود که در پایان سال ۱۳۹۱ به بیشتر از ۳۵۰۰ هزار تومان رسید).

۴. فعال شدن شکاف‌های سیاسی در داخل ایران در دولت نهم و دهم به‌ویژه پس از انتخابات ۱۳۸۸،

۵. ایجاد هراس امنیتی از برنامه هسته‌ای ایران نزد افکار عمومی جهانی بر اثر تبلیغات رسانه‌های جبهه متخاصم ایران شامل امریکا، انگلیس، اسرائیل و عربستان، (بر اثر تبلیغات رسانه‌ای حتی افکار عمومی کشورهای دوست نیز برنامه هسته‌ای ایران را نظامی می‌پنداشتند).

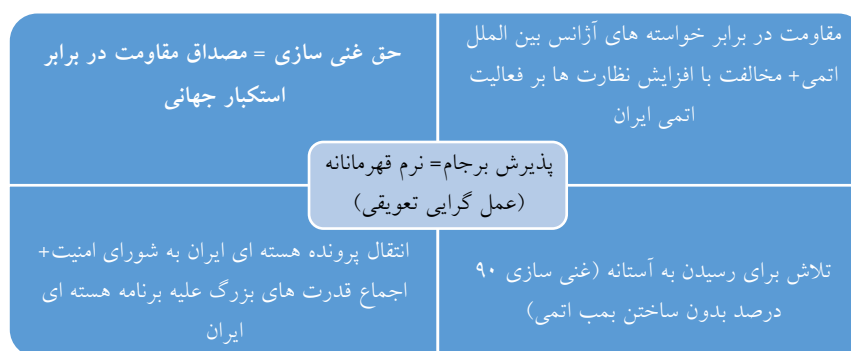
۶. افزایش تهدیدهای نظامی جبهه متخاصم علیه جمهوری اسلامی،

۷. اجماع قدرت‌های بزرگ علیه ادامه فرایند غنی‌سازی در ایران از جمله چین و روسیه (همراهی چین و روسیه با امریکا در شورای حکام آژانس بین‌المللی و شورای امنیت سازمان ملل متحد).

این هفت عامل، مهم‌ترین متغیرهای مؤثر برای پذیرفتن برجام از سوی تصمیم‌گیران سیاسی ایران بود؛ اما این عوامل هفت‌گانه چگونه در نظام شناختی تصمیم‌گیران ارشد نظام عمل کرده‌اند؟

عنصر شش و هفت یعنی افزایش تهدیدهای نظامی جبهه متخاصم علیه جمهوری اسلامی و اجماع قدرت‌های بزرگ علیه ادامه فرایند غنی‌سازی در ایران از جمله چین و روسیه با اصل مصلحت و بر اساس واقع‌نگری تجویزی فهم می‌شود. بالاترین مصلحت از دیدگاه امام خمینی حفظ موجودیت نظام اسلامی است که اوجب واجبات است و برای آن حتی می‌توان احکام اولیه را نیز تعطیل کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۶۸). هرگونه تهدیدی که اصل نظام و یا موجودیت نظام را در معرض مخاطره قرار می‌دهد، باید با هر شیوه‌ای دفع شود حتی اگر این دفع خطر، دفع افسد به امری فاسد باشد. اصل مصلحت و واقع‌بینی تجویزی تصمیم‌مقتضی را برای دفع تهدید نظامی علیه ایران و شکستن انزوای جهانی ایران اتخاذ می‌کند.

به این ترتیب تهدیدهای ۷ گانه در ذهن تصمیم‌گیران ارشد جمهوری اسلامی ایران بر اساس سه اصل عزت، حکمت و مصلحت تفسیر می‌شوند. در حالی که ایران در طول ۱۲ سال بر حق غنی‌سازی در خاک خود و تا میزان ۹۰ درصد مطابق NPT زیر نظر بازرسان آژانس سازمان بین‌المللی اتمی تأکید داشت، در نهایت ایران در برجام بخش‌هایی از فعالیت هسته‌ای خود را تعلیق نمود، به غنی‌سازی زیر ۵ درصد رضایت داد، بازرسی‌های گسترده و خارج از معاهده NPT را نیز پذیرفت تا ۶ قطعنامه شورای امنیت را علیه ایران ملغی کند و تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را بشکند. توافق برجام که کلید آن راهبرد نرمش قهرمانانه رهبر ایران بود، بر اساس مصلحت و واقع‌بینی تجویزی به دست آمد.



۶. نتیجه‌گیری

ماهیت ایدئولوژیک سیاست خارجی ایران، فهم رفتارهای ایران در عرصه بین‌المللی را دشوار کرده است. نظریه‌ها و چارچوب‌های مفهومی در سیاست خارجی به تنهایی نمی‌توانند تبیین‌کننده رفتار سیاست خارجی ایران باشند. آنچه به فهم سیاست خارجی ایران کمک می‌کند نشستن در میانه تئوری و عمل در سیاست خارجی است. به لحاظ روشی نیز فهم بهتر سیاست خارجی ایران توانان با راهبرد قیاسی (بهره آزاد از نظریه‌ها) و راهبرد استقرایی (تمرکز بر عمل سیاست خارجی) حاصل می‌شود.

بسیاری از تحلیلگران فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران را عمل‌گرایانه می‌دانند. ما نیز در این مقاله با بررسی سه تصمیم کلیدی در سیاست خارجی ایران نشان دادیم که جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با بحران‌های مهم در سیاست خارجی در نهایت بر اساس برآیندی از آرمان‌ها و واقعیات، عمل‌گرایانه دست به تصمیم می‌زند و این الگوی تصمیم‌گیری را عمل‌گرایی تعویقی نام‌گذاری کردیم؛ اما مسئله مهم در این میان مفهوم تعویق در تصمیم‌گیری است. تصمیمات تعویقی که در سه بحران گروگان‌گیری، جنگ با عراق و بحران هسته‌ای مشاهده کردیم. اگر تصمیمات مذکور به هنگام و در زمان مناسب اتخاذ می‌شد، بسیاری از هزینه‌ها بر ایران تحمیل نمی‌شد و آن تصمیمات منافع بیشتری برای ایران به همراه داشت.

بسیاری از تحلیلگران پدیده تعویق در تصمیمات کلیدی سیاست خارجی ایران را ریشه در تکلیف‌گرایی مذهبی (که در مقابل نتیجه‌گرایی تصمیم‌گیری عقلایی قرار می‌گیرد) می‌دانند. آن‌ها کنش ایدئولوژیک را عامل این تعویق می‌دانند و توصیه می‌کنند کنش ایدئولوژیک باید با عقلانیت ابزاری (نتیجه‌محوری در سیاست خارجی) تعدیل شود تا مشکل پدیده تعویق در تصمیمات کلیدی سیاست خارجی ایران حل‌وفصل شود. در نقطه مقابل ما اعتقاد داریم تعویق ریشه در کنش ایدئولوژیک ندارد چه اینکه ایدئولوژی در نظام تصمیم‌گیری ایران تعارضی با عقلانیت ندارد. همچنین تصمیم‌گیران سیاست خارجی ایران کنش‌گرانی عقلایی هستند و وقتی عمل‌گرایانه تصمیم‌گیری می‌کنند، عقلایی نیز می‌اندیشند. ما در این مقاله نشان دادیم پدیده تعویق ابتدا ریشه در سطره ساختارها بر کارگزاران و سپس ریشه در مواجهه دو ساختار در فرایند عمل‌گرایی است. ساختار اول ساختار سیاست خارجی ایران است که در فرایند آرمان‌خواهی، رویکرد تجدیدنظرطلبی به نظم بین‌المللی و سیاست‌ورزی به یک ساختار تنومند تبدیل می‌شود و ساختار دوم، نظم کهن بین‌المللی است که از جنگ جهانی دوم تاکنون حیات دارد و محافظه‌کارانه در مقابل سیاست تجدیدنظرطلبانه ایران مقاومت می‌کند. برخورد این دو ساختار، تصمیم‌گیری به هنگام برای

الگوی عمل‌گرایی تعویقی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ۲۹۷

کنشگران سیاست خارجی ایران را دشوار و سخت می‌کند و موجب تعویق در عمل‌گرایی سیاست خارجی ایران می‌شود.

منابع:

دهقانی فیروزآبادی. (۱۳۸۴). سید جلال، تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر ایران.

رمضانی، روح‌الله. (۱۳۸۱). چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، نشر نی.

روزشمار جنگ ایران و عراق. (۱۳۸۷). زمینه‌های سیاسی و نظامی پذیرش قطعنامه ۵۹۸، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

روزنامه کیهان

روزنامه اطلاعات

صحیفه امام خمینی، بیانات امام خمینی از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۶۸، نشر معارف اسلامی.

زیباکلام، صادق. (۱۳۸۷). هاشمی بدون رتوش، نشر روزنه.

صالحی، علی‌اکبر. (۱۳۹۴). سایت انتخاب، ۱۳۹۴/۶/۲.

موسوی‌نیا، سیدرضا، (۱۳۹۲)، الگوهای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران، نشر دانشگاه مفید قم.

نوازنی، بهرام. (۱۳۸۴). الگوهای رفتاری امریکا با جمهوری اسلامی ایران، نشر انقلاب اسلامی.

ولایتی، علی‌اکبر. (۱۳۷۶). تاریخ سیاسی جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، نشر فرهنگ اسلامی.

هاشمی رفسنجانی. (۱۳۸۲). عبور از بحران، خاطرات سال ۱۳۵۹، نشر معارف اسلامی

هاشمی رفسنجانی. (۱۳۸۶). امید و دلواپسی، نشر معارف اسلامی.

هاشمی رفسنجانی. (۱۳۹۵). اکبر، مصاحبه با سایت اختصاصی ایشان،

<https://rafsanjani.ir>

۲۹۸ مجموعه مقالات کرسی‌های ترویجی دانشگاه علامه طباطبائی (۱۴۰۰)

هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۹۵). دلایل پذیرش برجام،

<https://www.youtube.com/watch, 1395>

Clinton, Hillary, (2014), Hard Choices, Published by Simon Schuster
Mearsheimer, John, (2005), E.H. Carr, Vis. Idealism: The Battle, see in: sage. Pub. Com/cgi/content/ vol. 19, 2005